**وضعیت کنونی جنبش کارگری**

روشن است که صف بندی و وضعیت جنبش کارگران ومزدبگیران کنونی بر این بنیاد ارزیابی می شود که تعمیق بحران جهانی سرمایه داری و یکی از بند‌های زنجیراین بربریت، سیستم سرمایه داری در ایران است که بر بنیاد تضاد آشتی ناپذیر طبقاتی بین کار و سرمایه تعریف و با در نظر گرفتن این وضعیت، جنبش خود انگیخته‌ی کارگران و مزدبگیران بررسی می شود. یادمان نرود که در اینجا مسِئله بر سر کنش و واکنش آشتی ناپذیر رابطه‌ی خرید و فروش نیروی کار یا کار مزدی است که بعنوان یک رابطه‌ی اجتماعی در جامعه حاکم است. این رابطه‌ی اجتماعی چیزی نیست به جز سود و تولید ارزش اضافی که به کارگران و مزدبگیران پرداخت نمی شود و به تملک سرمایه داران در آمده و انباشت می شود.

جنبش خود‌ انگیخته‌ای که ما مد نظرداریم، جنبش شوراهای کارگران و مزدبگیران ضد کارمزدی است، جنبشی است که مبارزه‌ی فوری خود را برای نابودی کار مزدی و نابودی رابطه‌ی اجتماعی کنونی که بر بنیاد قوانین و مقررات سرمایه داری بناشده است پیش می برد. بیاییم کلای خودمان را قاضی کنیم و تاریخ کردارها و گفتارهای نهادهایی مثل اتحادیه‌ها، سندیکا‌ها، احزاب و سازمان‌های چپ را در یک قرن و اندی فعالیت در نظر بگیریم. این فعالیت‌ها جزرفرم‌هایی که در چهارچوبه‌ی سیستم سرمایه دری صورت گرفته باشد چیز دیگری نیست و ما شاهد تغییرات اساسی بین کار و سرمایه نبوده‌‍ایم. واکنون ما دروضعیتی هستیم که نه سرمایه‌ی کلاسیک "ملی" بلکه بربریت سرمایه داری جهانی بر کار حاکم است. بنا براین اشتباه محض است که این نهادها را در بررسی جنبش کارگران و مزدبگیران بگنجانیم این عمل کرد این جرایانات یا نهادها در چهارچوبه‌ سیستم محدود مانده است و فراتر نمی روند« در حرف و تِبلیغات آری اما در عمل چنین نبوده است» این نهاد‌ها آگاهانه ویا نا آگاهانه ریزه خواران سرمایه بوده و احتمالن ریزه خوارخواهند ماند و نمی توان به آنها امید داشت. این نهاد‌ها کم و بیش در به انحراف کشاندن جنبش‌های خود انگیخته‌ی کارگران و مزدبگیران سهم بسزایی داشتند و وجود فکری و نظری انها اکنونی و در آینده برای جنبش شورایی مضر خواهد یود.لازم به تاکید است که قصد این مطلب این نیست که به شیوه‌ی رفرمیستی برای بررسی وضعیت جنبش کارگری ازوجود و ایجاد نهاد‌هایی مثل« اتحادیه های کارگری، سندیکا‌ها و احزاب چپ» شروع کند.این نهاد‌ها برای جنبش خودانگیخته‌ی کارگران ومزدبگیران ضد سرمایه داری بیگانه است. مثلن نهاد‌هایی مثل :سندیکای هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، اتحادیه‌ آزاد کارگران و تمام نهاد هایی که در خیزش های 1396 تاکنون ایجاد شد اند و کماکان به گونه ای در پهنه‌ خیابن‌ها مطالبات کارگران و مزدبگیران را مطرح و دولت سرمایه داری را به چالش می کشند نشان داده اند که فقط در این مقطع می توانند مطرح باشند یعنی درآینده‌ی جنبش شورایی می توانند نقش کم رنگ داشته باشند و یا نقشی ایفا نکنند. زیرا با تمام شعارهایی که به گفته‌ی بعضی ها "رادیکال است" یا گویند شعارها"عمیق تر است" و ... اما این شعارهای رادیکال از چهار چوبه‌ی سیستم سرمای‌داری فراتر نمی رود و ... اشتباه بر داشت نشود وقتی از نا کارآمدی نهاد های کنونی صحبت می کنم نهاد هایی هستند آلوده به رفرمیست و باز دارنده‌ی جنبش شورایی است. با توجه به اینکه ما می دانیم این نهاد‌ها از سوی رژیم ارتجاعی سرکوب می شوند، زندانی می شوند، یا اعدامی داده اند، ‌این ها یک سوی قضیه است و سوی دیگراین است که این نهاد‌ها تا کجا می خواهند در مقابل سیستم سرمایه داری پیش بروند و اساسن چه می خواهند؟ در صورتیکه ما می خواهیم بدانیم که آزادی و رهایی جنبش کارگری از بند کار مزدی چگونه عملی می شود؟ ما تنها هدفمان نابودی هیئت حاکمه نیست. ما کارگران همیشه مبارزه کرده ایم و گفته آیم ، که رهایی ما کارگران و مزدبگیران زن و مرد زمانی امکان پذیری است که کارمزدی از میان برداشته شود و در اینجا روشن بگویم که مبارزه‌ی دوشا دوش همراه زنان بدون برابری و رهایی زنان از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جنبش کارگران و مزدبگیران بر سیستم سرمایه داری غلبه نخواهد کرد و پیروز نخواهد شد.‌ ما تاریخن در مبارزات عملی خود در کشورهای مختلفی مثل فرانسه« کمون پاریس 1871» آلمان « شکل گیری شوراهای1918»، شکل گیری شوراهای 1905 و 1917 و ... و شکل گیری شوراهای 1357 ایران به جهان سرمایه اری هشدار نابودی سیستم کار مزدی را داده ایم و تا پیروز پی در پی انقلاب خواهیم کرد. بر بنیاد این هدف ببینیم وضعیت ما درجامعه کنونی چگونه است؟: هرچند جنبش کارگران و مزدبگیران در روند یک اعتلای انقلابی پیش می رود و حالت زیگزاکی خود را در شعار‌ها و حرکت‌های کارخانه‌ای و خیابانی مطالبه می کند. اما خود انگیختگی کنونی هنوز جربزه‌ رویارویی حاد طبقاتی با سیستم سرمایه را از آن خود نمی داند و دست به عصا حرکت می کند البته ما نباید انتظار داشته باشیم که مثلن تیم‌هایی کارگران ومزدبگیرانی که اعتراضات و اعتصابات را راه اندازی می کنند، تیم‌های راه اندازی جنبش شورایی باشند، نه اینطور نیست. این تیم‌های کاری به این شرایط و به این وضعیت متعلقند و هنوز جسارت اشغال کارخانه و مؤسسات را به سود جنبش ضد کار مزدی را ندارند. جسارت واژگون کردن سیستم سرمایه داری و به سوی نابودی کار مزدی هنوز در راه است. تیم‌های متشکله در شوراهای انقلابی کارگران و مزدبگیران در راه است و این مهم درحرکت خودانگیخته‌ی کارگران و مزدبگیران ضد سرمایه داری عملی است. این آخری ها هستند« یعنی خود انگیختگی حاد طبقاتی است که در موقعیت انقلابی شکل می گیرد» و این سازماندهندگان جنبش شورایی ضد سرمایه داری هستند و می توانند مرحله‌ گذار به سوسیالیسم و کمونیسم را پیش ببرند. ما کارگران و مزدبگیران ضد سرمایه داری در روند مبارزه‌ی طبقاتی خود تجربه و یاد گرفته ایم که کسی که مبارزات سندیکالیستی می کند کمتر می تواند در روند مبارزه به مبارز شورایی و ضد سرمایه داری تغییر کند نه اینطور نیست، افراد و یا تیمی که به سندیکا و اتحادیه بعنوان مبارزه با سرمایه داری باور دارند، خطر غلطیدن در جهل رفرمسیم را با خود حمل می کند. بربستراین باور می خواهم بگویم که خیلی‌ها به این باورمندند که مثلن سندیکای شرکت واحد و یا نهاد باز نشستگان شعار رادیکال تری می سرایند و بعد‌ها شعار اشغال کارخانه‌ها و مؤسسات را در سراسرجامعه داده و خواهان حاکمیت شوراهای کارگران و مزدبگیران ضد سرمایه باشند، اگر این خواست را داشتند هم اکنون این شعار را سراسری می کردند. خیلی روشن بگویم نهادها، سازمان‌ها و احزابی که تبلیغ سندیکا، اتحادیه، یا جنبش مستقل کارگری را در کلاب هاس‌ها و غیره فرا می خوانند و به بحث می گذارند، به جنبش انقلابی کارگران و مزدبگیران و حاکمیت این طبقه کمتر باور دارند. من براین باورم که تیم‌های تغییر سیستم سرمایه داری متشکل در شوراهای انقلابی کارگران و مزدبگیران از جنبش خود انگیخته‌ شوراهای کارگران و مزدبگیران سر برون خواهد زد و وضعیت کنونی دست به عصا بودن را پشت سر خواهد گذاشت. حال به آنچه اتفاق افتاده و موجود است برگردیم. برای اینکه یک مقدار به واقعیت وضعیت کارگران و مزدبگیران نزدیک شویم من کوتاه خلاصه‌ی جنگ طبقاتی ای که اساسن از سال 1396 شروع شده است اشاره کنم: جنبش کارگران ومزدبگیران با درس گیری ازشکست شوراهای کارگری و مزدبگیران در انقلاب شکست خورده‌ی 1357 و اساسن از سال 1394 به بعد نشان داده است که سازمانیابی طبقاتی و ضد سلسله مراتبی یا نردبانی برای رهایی خود، از توانایی های بلفعل برای نابودی سیستم سرمایه داری و نفی کار مزدی برخورداراست و شوراهای سراسری کارگران ومزدبگیران را تنها بدیل و راه حل برای گذار از سیستم از سیستم سرمایه داری می داند. بر این بستر کارگران و مزدبگیران آذر آب، وهپکو در اراک، صنایع فولاد اهواز، کارگران هفت تپه« این همکاران دست در دست و شانه به شانه‌ی زن و بچه های خود در تظاهرات‌‌ها و در گیری‌ها با محافضین ارتجاع سرمایه داری در شهرهای اراک، شوش و اهواز پوشالی بودن اقتدار سرمایه داری جمهوری اسلامی را با مبارزات خود ثبت کردند و می شود گفت که جرعت بخش‌های دیگر مزدبگیران را برای مقابله با ارتجاع سرمایه را رقم زدند» در ادامه‌ی این روند کارگران نفت، کارگران و مزدبگیران راه آهن و کارگران معادن مختلف در چند سال گذشته و بخصوص از سال 1396 نشان دادند که با اتکا به توانایی و آگاهی‌های خود اعتصابات و تظاهرات های خیابانی خود را هدایت کرده وبه موقع توانسته اند که پیشروی و یا عقب نشینی کنند. این در گیری طبقاتی کماکان ادامه دارد. دی ماه 1396 اعتراضات کسترده‌ی جوانان طبقه‌ی کارگر، خیزش 24 آبان 1398 که در بیش از 150 شهر جوانان طبقه‌ی کارگر در مقابل رژیم سرمایه به مقاومت پرداختند. جنبش کارگران و مزدبگیران آرام ننشست و مبارزات خود ادامه داد. اما مبارزات با قتل ژینا«مهسا» فرزندان طبقه وارد خیابان‌ها شدند اما نتوانست با جنبش طبقاتی پیوند برقرار کند و بیشتر به شعارهای مدنی که با جنبش عمیق طبقاتی کمتر ارتباط داشت بسنده کند، از سویی جنبش کارگران و مزدبگیران هم نتوانست پیوند و گره گاه خود را با خیزش زن، زندگی، آزادی پیدا کند. همانطوری که ما در اخبار ها اطلاع پیدا می کنیم طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران کماکان به خانه های خود بر نگشته اند و برای وصول مطالبات خود یا در اعتصاب و یا در اعتراضات خیابانی خود آرامش رژیم سرمایه داری را بهم می زند. اعتراضاتی که در شهریورماه اوج گرفته بود در آذرماه 1401 با خشونت تمام عیار حاکمان سرمایه سرکوب شد با این وجود در زمستان اعتراضات و اعتصابات کارگران و مزدبگیران برای اضافه دستمزد ویا دستمزد معوق ادامه داشت. در وضعیت بحران‌زای سیستم نرخ تورم ماهانه مسکن به 10 درصد رسید، مرکز آمار نرخ تورم اجاره را 44 درصد اعلام کرد. این تورم به تعداد بی خانمان‌ها اضافه کرد. بر بستر این وضعیت و تحت تاثیر افزایش نرخ ارز با کاهش، پایین آمدن قدرت خرید مزدبگیران تقاضا کاهش یافت سطح تولید کارخانه پاین آمد که منجر به بیکار سازی ها و به عدم تمدید قرارداد کارگران در شرکت‌هایی مثل شرکت تولیدی اخوان، فیروز و نخ البرز و.. تورم کلی در جامعه 55 درصد اعلام شده و دولت در بوجه‌ی 1402 اضافه دستمزد مزدبگیران دولتی 20 درصد اعلام و شورای عالی کار با وجود اینکه تشکل‌های زرد حکومتیسبد معیشتی را حدودن 18 میلیون تومان برآورد کرده بودن، حد اقل دستمزد سال 1402 را 5میلیون و 308 هزار و 284 تومان تعیین کرد. اما شورای عالی کار درامسال حداقل دستمزدرا 27 درصد افزایش داد که شکاف بین سبد معیشت که حدود 8 تا 12میلیون تومان برسد. نرخ رسمی تورم در خرداد ماه 1402 54.6 درصد و نرخ تورم کالاهای خوراکی در خردادماه 75.4 درصد برآورد شد. امسال که همگی ما شاهد اعتراضات و سیع کارگران و مزدبگیران و در چند روز گذ‌شته اعتصاب کارگران و مزدبگیران فولاد اهواز بودیم. درروند همه‌ی اعتراضات و اعتصاباد دستگیری، اعدام از سوی رژیم شدت گرفته چنانکه تشکل‌ها و شبکه های مختلف علیه اقدامات ارتجاعی رژیم سرمایه واکنش نشان داده اند: **« بیانیه تشکلهای کارگری و اجتماعی علیه اعدام ها و سرکوبگریهای حکومت**

**امضا کنندگان:1-اتحاد بازنشستگان 2-انجمن برق و فلز کرمانشاه،3 - سندیکای نقاشان البرز، 4- -شورای بازنشستگان ایران، 5- -شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) ، 6 - -شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، 7 - شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، 8 - گروه بازنشستگان مستقل تهران، 9 - ندای زنان ایران، 10 - نهاد دادخواهان»**

اعتراضات و اعتصابات در کارخانه‌ها و مؤسسات آنقدر زیاد شده که من فوقن به برخی از آنها اشاره کردم. روشن و گویا است که به دلیل تامین نشدن مطالبات سیاسی و مطالبات اقتصادی کارگران و مزدبگیران، این وضعیت می تواند بر برآمد و عمیق تر شدند مبارزه‌ی طبقاتی تاثیر مثبت بگذارد و ما را وارد فاز بالاتر مبارزات ضد سرمایه داری کند. این وضعیت را باید در رابطه با وضعیت بحران زده‌ی سرمایه‌ی جهانی و در ارتباط مستقیم با آن ایران دانست که توانایی رفرم اساسی که به تامین مطالبات کارگران و مزدبگیران جواب دهد را نا توان است. در واقع سرمایه‌ جهانی قادر به رفرمهای اجتماعی نیست. جنگ و در گیری های موجود برای جا به جا کردن خطوط جغرافیایی و ایجاد حکومت‌های دست نشانده وتخفیف بحران دامن زده شده. اما اگر باور داشته باشیم که در گیری‌های جناح‌های مختلف سرمایه داری بدون فشار پایینی ها صورت نمی گیرد، پس امکان جرقه های انقلاب ، شورش، و خیزش‌هایی را هم امکان پذیر دانست.

لازم به اشاره است، که همه‌ی این تناقضات و تضاد ها با تغییر هيئت حاکمه یا تغییر قدرت سیاسی موجود نمی تواند تغییر کند. برای از بین بردن تناقضات و تضاد بین کار و سرمایه، نابودی سیستم سرمایه داری ضروری است. به باور من حل این تناقضات و تضاد ها فقط بوسیله‌ی شوراهای انقلابی ضد سرمایه داری کارگران و مزدبگیران امکان پذیر است.

**علی برومند - 16 دی ماه 1402- 01.06. 2024**